

فتح‌الله گولن، روحانی بزرگ و رهبر جریان اسلامگرای «خدمت‌ایمانی» در ترکیه است؛

فتح‌الله گولن، روحانی بزرگ و رهبر جریان اسلامگرای «خدمت‌ایمانی» در ترکیه است؛ جریانی که با داشتن بیش از دوهزار مدرسه و ۲۰ دانشگاه ممتاز با تخصص‌های گوناگون در عرصه‌های اجتماعی و بهداشتی و دینی فعالیت می‌کند. این نهادها در ترکیه و بیش از ۱۶۰کشور جهان از جمله آمریکا، استرالیا و اندونزی پراکنده بوده و به همین دلیل شبکه گسترده‌ای را به وجود می‌آورد. از چندی پیش با شروع جریان افشاشگری‌ها علیه دولت اردوغان جدال سختی بین دولت و گروه با جماعت‌فتح‌الله گولن در ترکیه شکل گرفت که همچنان ادامه دارد. دولت اردوغان جماعت گولن را به توطئه‌چینی علیه خود متهم کرد و تصمیم گرفت تمام مدارس وابسته به این جریان را در کشور منحل کند. اردوغان حتی تا آنجا پیش رفت که رسماً از آمریکا و پاکستان نیز خواست مدارس وابسته به این جریان را منحل کنند. وی جماعت گولن را یک باند خطرناک و اختاپوسی توصیف کرد که دولتی در سایه تشکیل داده و برای سقوطش روزشماری می‌کند. گولن اما در گفت‌وگو با روزنامه تودیزرمان چاپ ترکیه (متسن حاضر) این مطلب را رد کرد و به اتهامات مختلف علیه گروهش پاسخ داد. لحن مذهبی و تکیه‌کلام‌های دینی او در دره اتهاماتش قابل تأمل است. سال ۲۰۰۸ مجله فارین‌پالیسی با نظرسنجی‌های خود فتح‌الله گولن را در رتبه نخست فهرست یکمصدادانشمند معروف جهان نشانده. او در این‌باره روشنفکری مروج اسلام اهل مدارا و متکی بر نوع‌دوستی، اخلاق، سختکوشی و آموزش معرفی شد. گولن متولد ۲۷آوریل ۱۹۴۱ بوده و هم‌اکنون در ۷۳سالگی در آمریکا به‌سر می‌برد. آنچه را می‌خوانید ترجمه متن عربی این مصاحبه است که از روزنامه **المصری‌الایوم** به فارسی برگ‌رداشته شد:

❧ **این نکته قابل توجه است که جنبش شما متهم به اتهامات زیادی می‌شود لیکن شما همچنان درباره آن سکوت کرده و چیزی نمی‌گویید؟**

نه، ما خیلی غمگین شدیم. هرچند من خودم تا این لحظه تحلیل معقولی برای این کارها پیدا نکرده‌ام. من نمی‌فهمم با چه اعتمادبه‌نفسی این حرف‌ها را می‌زنند. این عبارت‌های زشت‌شایسته آن نیست که تکرار شود. جیتاباتی که اینها مرتکب شده‌اند حتی می‌توانم بگویم در طول تاریخ اسلام اهل کفر نسبت به اهل ایمان روا نمی‌داشت.

❧ **از کسانی که چنین تهمت‌هایی را مطرح کرده‌ند چه انتظاری دارید؟**

من جعفر از اینهایی که چنین توهومات و توطئه‌هایی را به راه انداختند خواهش کردم تا توجه به کتاب و سنت پیامبر در رفتارشان تجدیدنظر کنند.

❧ **آیا اشعاری را که پیوسته تکرار می‌کردید بیانگر همین وضعیتی است که امروز تجربه می‌کنید؟ ..دوست یی‌فاد و روزگاری بر تحرم / جهان لحظه‌ای آرام نمی‌گیرد / غهاه‌نبوه و هیچ شریک دردی پیدانی‌نشود / دشمن هوی است و کمک‌سازند اک...** همه برادران ما تقریباً نسبت به برنامه ما وفاداری‌شان را ابراز کردند و باوجود حجم تهمت‌ها و دروغ‌برگانی‌ها هیچ نزلزل قابل ذکری در بین آنان به‌وجود نیامد. اما دل آدمی آرزوی این را داشت کسانی که جایگاهی دارند به تناسب خوششان حرکت نشان دهند. این امیدواری گاه در سطحی مطلوب نبود. نامی‌دان این انتظار بجایی است که از برخی دوستان بزرگوار که دوستی ما با آنها به سال‌های گذشته برمی‌گردد، داشته باشیم و از آنها بخوایم به‌خطر احترام به حقیقت از بعضی امور دفاع کنند؟ برای همین تنها به این بسنده می‌کنم که برخی از دوستان دوران خوشی چنان‌که شایسته بود رفتار نکردند. ده ۷۰، ما با مردی آشنا شدم که می‌گفت حاضر است برای پیشبرد طرح‌های جنبش ما هرچه را در دارد را اختیار بگذارد. در جریان کودتای ۱۹۷۱ ما با هم به زندان افتادیم. وقتی آزاد شدیم من می‌خواستم ساختمانی را برای خوابگاه دانشجویان بسازم. یعنی از قبل این کار را شروع کرده بودیم. وقتی این موضوع را به او گفتم، گفت تو را به خدا استاده، بیش از این ما را درگیر نکن! در اینچنین شرایطی است که ثبات افراد اهمیت پیدایی‌اند.

❧ **شما یکی از افرادی هستید که در جریان کودتای ۱۹۹۷ بیشترین آسیب را دیدید و در معرض تبلیغات رسانه‌های شدیدبودید. بعد از آن علیه شما شکایتی شد و هشت‌سال محاکمه شما طول کشید. آیا تصور می‌کنید امروز هم دچار همان مصیبت‌هاشده‌اید؟**

ما بارها در معرض فشار و مکافات بوده‌ایم. در کودتای سال ۱۹۷۱ من به مدت شش‌ماه‌وینم به اتهام نفوذ در دولت زندانی شدم. مدام ۱۶۳ در آن روزگار مثل گوتیون بر سر مسلمانان بود. تا اینکه تئوگوت اوزال آمد و این ماده را لغو کرد. در کودتای سال ۱۹۸۰ به مدت شش‌سال مثل خیلی‌های دیگر من هم تحت تعقیب بودم. از این‌رو می‌توانم بگویم زندگی زیر فشار و تعقیب و پیگردها برای ما دیگر تبدیل به یک امر روزمره شده بود. اما آنچه را امروز با آن مواجه هستیم ده‌ها برابر بدتر از دوران کودتاهاست. باوجود همه اینها من شکایتی ندارم. اما تفاوت مهم این روزها با گذشته در این است که ما این‌بار با کسانی مواجه می‌شویم که فکر می‌کردیم رویه سوی یک جهت داریم. ولی کاری جز این نمی‌توانیم بکنیم که بگوئیم باید صبر داشت. این مصیبت باید از میان برداشته شود. **بعضی انتقاداتی را که شما روی آن دولت‌نچالیدین اربکان کرده‌بودید، این روزها تکرار کرده و مدعی می‌شوئند که شما به این وسیله داشتید به کودتاگران علیه او کمک می‌کردید؟**

وقتی حزب رفاه به‌عنوان نخستین حزب در آن زمان از انتخابات کنار گذاشته شد، حرکات مخالف در داخل نیروهای مسلح ترکیه به شکلی آشکار شروع شده بود و همه شاهد آن بودند. ابرهای سیاهی در آسمان ترکیه دیده می‌شد اما هنوز توفان به راه نیفتاده بود. بعدنیال یوسف‌ای رسوایی «سپرلرک» بود که گروهی از نظامیان به واکنش روی آوردند و فضا برای یک کودتای نظامی آماده شد. وقتی شروع به اجرای طرح کودتا کردند، دیگر کار از کار گذشته و زمان برای توقف آن دیر شده بود. بعد ناگهان در چنین لحظه‌ای بود که نام این فقیر را هم در گزارش‌های آوردند. سازمان اطلاعات ترکیه این گزارش را آماده کرده بود. من بعدها متوجه شدم چه کسی این کار را کرده است. ولی من اسلمی مومنان را افشا نکرده و به کسی هم اتهام نزدم. بلکه ترجیح دادم که اینها را در سینماها پنهان کنم. بعداً تصمیم‌ای ۲۸آوریل پیش آمد که به موجب یکی از بندهای این بایدمدارس ملی می‌شوند. تنش‌ها به آنجا رسید که من مانند بسیاری دیگر طرح اجرای انتخابات زودهنگام را پیشنهاد دادم تا برای خروج از این بحران ضرر کمتری داشته باشد. البته این من تنها بودم و حتی رسانه‌های طرفدار دولت هم همین فکر را مطرح می‌کردند اوزال هم با فکر من موافق بود. اگر به آرشیهوای آن زمان مراجعه کنید، اینها را خواهید دید.

❧ **شما آن موقع باوزیر کار تماس گرفتید و از وقوع یک کودتا حرف زده و به او هشدار دادید؟**

من تلاش کردم خاتم تاسو چپار را از این خطر آگاه کنم و نسبت به تحولات بدی که در حال وقوع بود هشدار دهم. اما وا گفت به دنبال یک توازن است و من از این بابت خیلی غمگین شدم. برای همین وارد جزئیات موضوع نشدیم. وقتی دیدم من حتی یک نفر را نمی‌توانم قانع کنم، احساس کردم باید کاری کرد که جلو دخالت در روند دموکراتیک کشور گرفته شود تا کشور ما مثل سایر جاهانشان. در به چنین رویکردی متوسل دولت وابسته به حزب عدالت و توسعه نیز در سال ۲۰۰۷ به چنین رویکردی متوسل شد و در یک هفته تصمیم گرفت انتخابات زودهنگام برگزار کند و طبعاً توانست از این مرحله سخت عبور کند. دولت وقتی تصمیم گرفت به آرای مردم مراجعه کند و موضوع را به صندوق‌های رای بسپارد، بازی کسانی را که داشت مثل سال ۱۹۹۷ بر سرش خراب می‌شد ختنی کرد. این چیزی است که من می‌گفتم چون داشتن قائلن انتخابات را تغییر می‌دادند. گفتم بروید و انتخابات زودهنگام برگذار کنید.

❧ **درباره اتهام‌اجرای عملیات فساد در تاریخ ۱۷ دسامبر گذشته که جریان خدمت**

را به این متهم می‌کنند چه می‌گویید؟

بعضی به‌دنبال این هستند که حرکت خدمت را در این‌باره متهم کنند هرچند ما بارها در این مورد بیانیه‌ها و تکذیبیه‌هایی دادیم و روشنگری کردیم. چنان‌که قبلاً هم گفته‌ام، برخی از دانشتان‌ها و نیروهای پلیس اقدام به تعقیب و پیگیری مجرمان کردند بدون اینکه توجه داشته باشند چنین کاری جرم محسوب می‌شود. در مورد تحقیقات ۱۷ دسامبر همه شاهد بودند که هیچ ارتباطی بین این تحقیقات و کسانی که تبعید شدند و حقوق‌شان را نظر گرفته نبود، وجود نداشت. بعد آمدند حرکت خدمت را متهم کردند انگار هیچ اتفاقی

فتح‌الله گولن:

ما با کسانی مواجه هستیم که روزگاری همراه بودیم

ترجمه: محمد علی عسگری



نیفتاده باشد و هیچ فسادی در کار نبوده است. تحقیقات مربوط به فساد و رشوه‌خواری در دولت کنونی مساله جدیدی نیست. سازمان اطلاعات ترکیه چند ماه پیش گزارشی را تهیه کرده بود که در آن ارتباط دولتمردان ترکیه با برخی دولت‌های خارجی را برملا می‌کرد و نشان می‌داد چگونه خارجی‌ها بر وزار تخته‌ها مسلط شده‌اند. حتی تا هیات وزیران نیز پیش رفته بودند و بعضی شغل‌های مهم در دست کردند اما همه اینها نادیده گرفته شد و کسی به آنها توجه نکرد.

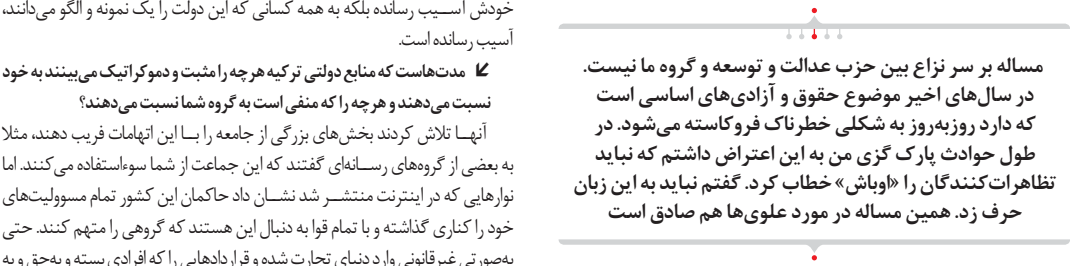
❧ **این اشتباه در ذهن‌ها جا افتاده است که شما در میدان افراد مردم را بسیج می‌کردید. آیا این درست است؟**

متأسفانه در اثر سوءفهم اینها به‌وجود آمد. اجازه دهید موضوع را با یک مثال تشریح کنم. اگر کسی به شما تهمت زد و با شیوه‌های زشتی بارها شما را متهم کرد و این کار را به جایی رساند که دیگر صبر طرف مقابل هم تمام شد چه باید کرد. حالا در چنین وضعیتی آن کسی که به او ستم شده است آمده و می‌گوید اگر اینطور که تو می‌گویی درست است این خادون بلاش را بر من نازل کند و اگر تو دروغ می‌گویی بر من نازل کند. این دعایی است که آن روز من تلاوت کردم، اما نام فرد یا حزب یا گروهی را به صورت مشخص نبردم. تنها برخی صفات و کارها را به صورت کلی بیان کردم. گفتم کسی که این یا آن کار را کرده است، ولی اگر در آنها این صفات نیست و چنین عملی را انجام ندادند، پس چرا اینقدر نگران شده و به خودشان گرفتند؟ من انتظار داشتم یکی از آنها یکی که این‌همه تهمت می‌زند و در صفحات مختلف روزنامه چنین و چنان می‌گوید مخفی کند!شان اما نمی‌گفت. اما آنها همین‌اقتضد به جای این، تلاش کردند از دعای من سوءاستفاده کنند. ولی من در همان نقطه هستم و موضع من تغییری پیدا نکرده است. همچنان می‌گویم اگر یک گروه یا یک باند جیتابکر یا سازمانی مخفی یا دولتی موازی در درون دولت بودیم خدا چنان‌که شایسته است ما را مجازات کند و اگر چنین نیستیم، یعنی آطور که آنها می‌گویند، از خداوند می‌خواهم همان بلایی را بر سرشان نازل کند که بر کسانی که چنین جرمی را در حق یک گروه بیگناه روا می‌دارند وارد می‌کند. کسانی که از آمین گفتن برای این دعا بهریز می‌کنند و به کارشان ادامه می‌دهند باید از عاقبت کارهایشان پترسند.

❧ **بلنت اربنج، معاون نخست‌وزیر و سخنگوی دولت گفته است برخی نخست‌وزیر را به‌خاطر پیش‌دبستانی‌های خصوصی تهدید کرده‌اند؟**

باید کسی که ادعایی می‌کند برایش دلیل بیاورد و آن را در دادگاه اثبات کند کمااینکه باید اعلام عمومی شود که فالتی یا فالان اشخاص آمد پیش ما و ما را تهدید کرد. یعنی باید اشخاص معین شوند. اما اگر بیایند و با استناد به توهیمات مختلف حرف‌هایی را بزنند هیچ دلیلی برای پاسخگوئی به آنها وجود ندارد. چنان‌که شما می‌دانید ریشه‌های مساله بستن پیش‌دبستانی‌ها به یکی یا دو، س‌ماه پیش برمی‌گردد. چون وزیر قبلی می‌گفتند نمی‌شود اینها را بست. اما وزیر جدید می‌خواهد اینن کار را بکند و از این حرف‌ها، این نشان می‌دهد که برای این کار از مدتها پیش برنامه‌ریزی شده بوده است.

شاید هم آنها به قصد و منظور خاصی چنین تصمیمی را گرفته‌اند. چون در رسانه‌ها هم آمده بود که آنها این کار را برای طرف‌های خاصی انجام می‌دهند. باید نوارهای مربوط به این تصمیم‌گیری در اتاق‌های درسته دولت باشد. امروز به شکلی آشکار معلوم شده که آنها اگر می‌خواهند این مدارس را ببینند برای ارتقای سطح آموزش نیست، بلکه منع فعالیت‌های آموزشی جریان خدمت است.



مساله بر سر نزاع بین حزب عدالت و توسعه و گروه ما نیست. در سال‌های اخیر موضوع حقوق و آزادی‌های اساسی است که دارد روزبه‌روز به شکلی خطرناک فرو کاسته می‌شود. در طول حوادث پارک گزی من به این اعتراض داشتم که نباید تظاهرات تظاهرکنان را «وایش» خطاب کرد. گفتم نباید به این زبان حرف زد. همین مساله در مورد علوی‌ها هم صادق است

❧ **خبر آن‌ورایی صوفی منتشر شد و برخی از مخالف سیاسی به صورت خاص**

جریان خواتم را به انتشار این اطلاعات متهم کرده‌د؟

جریان خدمت از زمان قدیم در معرض این اتهامات بوده است. اما کسانی که این اتهامات را مطرح می‌کنند تا امروز حتی یک دلیل در اثبات مدعای خود نیابورده‌اند. تنها از این موضوع تاکنون سوءاستفاده شده است و این نشان می‌دهد که هدف دیگری در پشت این ماجرا وجود دارد. همه درباره این موضوع حرف می‌زنند اما موضوع به نظر من خیلی پیچیده است. البته دو نوع عملیات ش‌ود وجود دارد. اول اینکه شنودی بر مبنای یک حکم قضایی صورت می‌گیرد و دوم اینکه به صورت غیرقانونی صورت گرفته باشد. از این‌رو باید کسی که به صورت غیرقانونی شنود می‌کند شناسایی شده و تحت تعقیب قرار گیرند.

صرفنظر از اینکه چه کسانی باشند یا به چه کسانی ارتباط داشته باشند. من به همراه تعداد دیگری از برادرانم جزو قربانیان شنودهای غیرقانونی هستیم. از زمان گذشته همین‌طور تبلیات منفی علیه ما جریان داشته است و بارها از طریق رسانه‌ها اتهاماتی را به ما زده‌اند. ما جز باقانون نمی‌توانیم با اینها مبارزه کنیم. اگر کسانی به صورت غیرقانونی شنود کرده باشند، باید بازخواست شوند. همچنین باید کسانی مورد محاکمه قرار گیرند که می‌گویند جریان خدمت دست به چنین کارهایی زده است و افراد بیگناهی را دلیل مدعی متهم می‌کنند.

جهان

یادداشت

داوری تاریخ درباره گورباچف

فریدون مجلسی

اشاره: در صفحه «جهان» شماره روز شنبه روزنامه «شرق» نامه پنج‌نماینده پارلمان روسیه را خواندم. متن زیر پاسخی است به ادعای مضحک و توهین‌آمیز آنان. گورباچف، فرزند یکی از قربانیان جنایات استالین، نخستین نسل رهبران رها از آلودگی‌های استالینی بود که پس از فساد خودکلمگی شوروی و در زمانی که جاشینان برزف با دخالت‌های زبانیار در جنگ نیابتی در ویتنام و سپس دخالت مستقیم در اشغال افغانستان، در شرایط ورشکستگی کامل دولت شوروی به روی کار آمد. آنچه شوروی را به آن بحران ورشکستگی کشاند در وهله نخست تا‌کاری آبی اقتصادی کمونیسم و در درجه دوم شیوه حکومتی خونبار، جاسوس‌پرور و خودکامه‌ای بود که فقط پس از فروپاشی نشان داد پس از ۷۰سال چه فقر و فلاکتی خصوصاً در مستعمرات آسیای مرکزی و در مستملکات و مستعمرات اروپایی بر جای نهاده بود. با این حال گورباچف که در مکتب سوسیالیسم روسی پرورش یافته و به آن معتقد بود، گمان می‌کرد بتواند با اصلاحاتی آن نظام از بنیاد فاسد و گمراه را نجات دهد. اصلاحات گورباچف دو مرحله یا دو اقدام اصلاحات و مبارزه با پنهانکاری را در نظر داشت: «گلاسنوست» و «پروسترکا».

«گلاسنوست» یعنی بلورینگی، یعنی شفافیت‌یعنی از میان‌برداشتن بزرگ‌ترین سلاحی که همه جنایات حفاظت از خودکلمگی‌های تیم میاقیایی‌ها بر کم شوروی در پس آن پنهانکاری‌ها توارسته بودند ۷۰سال دوم آوردند و پروسترکا یعنی بازسازی، یعنی تجدیدنظر در برنامه‌ها و شیوه‌های اجرایی اقتصادی، یعنی جبران مافات، یعنی برگ‌کردن و نمایشی قبل‌قبول از سوسیالیسم به اصطلاح علمی و عدالت اجتماعی و برابری و همه چیزهایی که طی ۷۰سال از ملت روس و ملل تحت‌سلطه و استعمار آن دریغ شده بود. گورباچف در مسیر بلورینگی و اصلاحات پذیرای آزادسازی کشورهای اروپایی اشغال شده و تحت‌استعمار شوروی شد. از کشورهای اشغال‌شده غنچه‌بینی کرد و آزادی کشورهای به‌غارت‌رفته شرق اروپا را به آنان بازگرداند آلمان شرقی نیز آزاد شد، دیوار برلین، با فربادهای گوبری گوبری، به نشان امتنان از آن مرد بزرگ که به آنان آزادی بخشید، فروریخت و نیمه شرقی به نیمه مرفه غربی پیوست. گورباچف در اثر کودتا و زباید کمونیست‌های سنتی و استالینی که خواهان ادامه انحصارطلبی و سوءاستفاده خود از قدرت بودند، ر‌بوده شد و خیانت کمونیست‌های دواشته‌او را از ادامه سالمات‌آمیز راه اصلاحات بازداشت. بلشین دیرکل حزب کمونیست روسیه با حمایت مردمی کودتا را شکست داد و با قبول آزادی ملل تحت‌سلطه شوروی جاشین‌اوشد. روسیه به‌رغم دشواری‌های برجای مانده سرانجام توانسته است به آزادی و رفاهی که در شأن آن کشور بزرگ و ثروتمند است، دست یابد و اکنون با امکانات زیاد ستم‌خیزش یاد دوستداران امپراتوری استعماری زلدست‌رفته را کرده است‌اد. در بعضی جاها هم البته حق و حقوقی دارد و در بعضی جاها هم با توطئه‌هایی مواجه بوده است که ربطی به ما ندارد و خودشان می‌توانند از عهده آن برآیند. گفتم که گورباچف دو سیاست را پیگیری می‌کرد: «گلاسنوست» یعنی بلورینگی یا شفافیت، در مقابل پنهانکاری سنتی که ابزار اصلی سلطه خونبار دولت انحصارگر شوروی بود و «پروسترکا» یا بازسازی، غافل از اینکه با برداشتن حجاب پنهانکاری و آشکارشدن همه مفاسد و جنایاتی که بر آن کشور استعمارگر رفته بود، مهلتی برای مرحله دوم یا بازسازی باقی نمی‌ماند و خصوصاً پس از کودتای خلتان افراطی حزب کمونیست، چارهای جز فراتادن آن رژیم بدنام تاریخ باقی نماند و چنین شد.

اینکه اکنون در دوسای روسیه پنج‌نفری با افکار استالینی یا ناسیونالیسم فاشیستی منتقد گورباچف یا حتی خواهان محاکمه آن مرد بزرگ باشند، نیست. نیست دآوری درباره گورباچف یا تاریخ است. عجیب و کاشف چپ سنتی ایرانی است که چنان شرافت و سستی بربرادرفته شوروی است که هنوز با تخیلات استالینی، افسوس فروپاشی آن امپراتوری خونبار را می‌خورد که سرانجام آرزوی انضمام ایران را نیز که در راه آن تلاش بسپار کرد، با خود به گور برد!

نگاه

دموکراسی و تحکیم آن در افغانستان

صلاح‌الدین هرسنی ـ مدرس علوم سیاسی

امروزه در فراگرد حیات نظام سیاسی افغانستان رفتارها و نشانه‌گانی دیده می‌شود که بر برقراری روند دموکراسی و تحکیم آن دلالت می‌کند. برقراری روند دموکراسی و تحکیم آن مبتنی بر جلوه‌هایی چون: برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه، فاصله‌گیری از الگوهای اقتدارگرایی در صدارت سیاسی، بازشدن فضای باز سیاسی، برقراری جریان آزاد اطلاعات (آزادی بیان، تسامح و تساهل) و ایستادگی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. در این راستا برگزاری انتخابات آزاد اولین نمود از برقراری دموکراسی است که نظام سیاسی افغانستان در انتخاب ریاست‌جمهوری جدید و شوراهای ولایتی وفاداری خود را به آن نشان داده است. این انتخابات با حضور همه سلايق و جناح‌های سیاسی و مشارکت زایدالوصف همه گروه‌ها در پنجم آوریل ۲۰۱۴ برگزار شد. مهم‌ترین ویژگی این انتخابات را باید در رقابت گروه‌ها و جریان‌های فعال سیلسی اخیر این کشور از جمله رقابت کاندیداهایی چون: عبدالله عبدالله از حزب جمعیت اسلامی، اشرف غنی احمدزی، زلمی رسول و عبدالرب رسول سیاف از احزاب مستقل ملی این کشور دانست که با توجه به ظرفیت‌های دموکراسی نوپای نظام سیاسی این کشور به انصاف و معیارهای انتخابات آزاد آن هم برای سومین انتخابات ریاست‌جمهوری نزدیک بوده است. آنتچنان که گفته شد، فاصله‌گیری از الگوهای اقتدارگرایی در فراگرد یک نظام سیاسی از نشانه‌های دیگر برقراری و تحکیم دموکراسی است که تجربه افغانستان در این زمینه لااقل در روزگاران اخیر یک نمونه درخشان آن بوده است. به واقع صدارت قابل توجه حامد کرزای در ارگ ریاست‌جمهوری که از ۲۲ دسامبر ۲۰۰۱ و همزمان با سرنگونی طالبان آغاز شد می‌توانست به تحکیم روند اقتدارگرایی بینجامد و تجاری چون چاوز در ونزوئلا، علی اف در آذربایجان، عبدالله داد در سنگال، مبارک در مصر و توجان در کوراسی را تکرار کند. اما تمرین تدریجی و گام به گام دموکراسی از تکرار آن تجارب جلوگیری کرد، چراکه نحوه صدارت کرزای به‌گونه‌ای بود که هم توانست با تشکیل نهادهای دموکراتیک به‌عنوان ابزار‌های اصلی برای حفظ و اعمال قدرت سیاسی استفاده کند و هم از بروز یک جنگ داخلی با توجه به سلیاقه صدارت بلندمدت وی در ارگ ریاست‌جمهوری جلوگیری کند. از همان ابتدا قرائن اینگونه نشان می‌داد که اگر چه این راهبرد به استقرار یک دموکراسی کم‌شدت در طول صدارت کرزای می‌انجامد اما سرانجام به بار خواهد نشست و به نظام سیاسی این کشور با همه مصایب و رفتارهای کج‌دار و مریزش در مسیر دموکراسی برای بروز و ظهور یک دموکراسی اصل کمک می‌کند. بازشدن فضای سیاسی از نشانگان دیگر برقراری روند دموکراسی و تحکیم آن است که می‌تواند تدریجی، ناگهانی، خشنوت‌آمیز و مسالمت‌جویانه باشد. الگوهای رفتاری ۱۴ سال صدارت کرزای در ارگ ریاست‌جمهوری نشان می‌دهد که راهبردهای او در بازشدن فضای سیاسی و گشودن فضای جدید از فعالیت‌های سیاسی تدریجی و مسالمت‌جویانه بوده است. البته در این زمینه راهبردهای کرزای مستطهر به حمایت‌های مالی و استراتژیکی کشورهای بزرگی چون آمریکا و برخی از متحدان منطقه‌ای بوده است. اولین نشانه از



برقراری فضای باز سیاسی با جریان آزاد اطلاعات و تسامح و تساهل با گروه‌های اپوزسیون درون نظام نمود یافت. در این راستا فرایند جریان آزاد اطلاعات در نظام سیاسی افغانستان به کمک دو غول بزرگ دنیای وب اجتماعی یعنی فیس‌بوک و گوگل و شبکه‌های مجازی همچون توئیتر و یوتیوب متضمن حرکت به پیش در مسیر دموکراسی شد. لااقل تجربه افغانستان دوران صدارت کرزای در این‌باره دو ویژگی ممتاز داشت: اول اینکه جریان آزاد اطلاعات کاربران اینترنتی این کشور را برای عبودیت‌سازی در فضای مجازی آماده کرد و دوم آنکه جریان‌های آزاد اطلاعات ناشی از شبکه‌های خصوصی مجازی فضای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این کشور را برای مشارکت در فضای واقعی قرار داد. این وضعیت منجر به تغییر دورنمای تعامل اجتماعی در فضای سیاسی و اجتماعی افغانستان شده که در حد خود از پیش‌بینارهای دموکراسی است. دومین نشانه از برقراری فضای باز سیاسی تسامح با گروه‌های اپوزسیون داخلی بوده است. در این زمینه راهبردهای تقابلی عبدالله عبدطال را هم در مقام یک اپوزسیون تمام‌عیار و بارها به‌کرات راهبردهای کرزای را نشانه می‌گرفت. اما این راهبردهای تقابلی نتوانست منجر به حصر یا عدم فعالیت‌های مدنی و اجتماعی برای سایر گروه‌های اپوزسیون شود. این تسامح زمینه را برای ایجاد جامعه باز که پیش شرطی برای استقرار دموکراسی است فراهم کرد تا شاید قهرمان آن که همان عبدالله عبدالله باشد، پیش از اعلام نتایج پیدایش خود را پیروز انتخابات و رییس‌جمهور آینده نامیده‌ای افغانستان بنماید. از منظر دیگر برقراری روند دموکراسی و تحکیم آن، ایستادگی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. در این زمینه می‌توان به شوک‌های سیاسی همچون تلاش برای کودتا و اقدامات تروریستی و آشوب و شوک‌های ناشی از قهر سیاسی اشاره کرد. این ویژگی از برقراری روند دموکراسی و تحکیم آن کوچک‌ترین نمود را در انتخابات اخیر افغانستان نداشت، چراکه باوجود همه موفقه‌هایی که برای برقراری روند دموکراسی و تحکیم اجتماعی افغانستان نه تهدیدات طالبان توانست از گرمی انتخابات بکاهد

و نه مدیریت نامرئی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و در همین راستا و نه قهر سیاسی. حضور بزرگ احاد ملت در پای صندوق‌های رای، صحنه‌های انتخابات این‌بار افغانستان را از بسیج توده‌ای به مشارکت سیاسی آن هم در نوع واقعی‌اش تبدیل کرد. در این میان و با تجمع همه موفقه‌هایی که برای برقراری روند دموکراسی و تحکیم آن برشمرده شده است، پرسش آن است که آیا نمی‌توان افغانستان را در زمره کشورهایی دانست که روندهای دموکراسی در آن نهاده‌ین شده است؟ طبیعی است که افغانستان امروزی را باید با وجود این نشانگان، کشوری دانست که برقراری روند دموکراسی و تحکیم آن در بطن نظام سیاسی آن نهاده‌ین شده است و این چیزی است که آفاق آن باوجود کارشکنی‌های طالبان و گروه‌های آشوب‌زاد آغاز هزاره سوم هویداست.